

Critical Studies in Texts and Programs of Human Sciences,
Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS)
Monthly Journal, Vol. 22, No. 5, Summer 2022, 133-154
Doi: 10.30465/CRTLS.2022.38586.2389

Economic Growth, Institutions and Globalization
A Critical Review on the Book
***One Economics, Many Recipe* by Dani Rodrik**

Seyed Hossein Mirjalili*

Abstract

Understanding the logic behind the success and failure in economic growth, and institutional and global arrangements is the subject of this book. Identifying growth's binding constraints and the need for finding solutions for development issues according to the circumstances of countries is an alternative approach to this book on development. This paper aims at evaluating "*One Economics, Many Recipe*" in presenting an initiative for economic growth and development. Analytical-descriptive method is used in reviewing the book and conducting methodological assessment. The results indicated the advantages and challenges of the arguments put forwarded by the book. Among the advantages is the consideration of each country's circumstances in growth policy, the lack of one size fits all for economic policies for development, challenging the universalism of neoclassical teachings, the distinction between ignition of growth and its sustainability, and questioning of the exaggerating in the benefits of trade liberalization. Among the challenges are using the prescription on the title of the translated book, problems in implementing the growth diagnostic method, utilizing qualitative methods instead of quantitative in growth diagnosis in practice, neglecting policies and measures for the second stage in growth sustainability, and methodological assessment of growth diagnosis.

Keywords: Economic Development, Globalization, Institutions, Economic Growth, Second Best.

*Professor of Economics, Institute for Humanities and Cultural Studies, Tehran, Iran, h.jalili@ihcs.ac.ir

Date received: 19-03-2022, Date of acceptance: 27-06-2022



رشد اقتصادی، نهادها و جهانی شدن؛ بررسی کتاب یک علم اقتصاد، تجویزهای بسیار

سیدحسین میرجلیلی*

چکیده

درک دلایل موفقیت و شکست در زمینه رشد اقتصادی، ترتیبات نهادی، و جهانی موضوع این کتاب است. شناسایی محدودیت‌های دست‌ویاگیر رشد و نیاز به راه‌حل‌های مختلف برای مسائل توسعه برحسب اقتضات کشورها رویکرد بدیل این اثر در توسعه است. این مقاله با هدف ارزیابی کتاب در ارائه طرح بدیل برای رشد و توسعه اقتصادی نگاشته شده است. در بررسی مطالب کتاب از روش تحلیلی-توصیفی استفاده شده است. بر این اساس، به ارزیابی محتوایی و روش‌شناختی اثر پرداخته شده است. نتایج ارزیابی محتوایی کتاب نشان‌دهنده مزایا و چالش‌های کتاب است. از مزایای کتاب لحاظ‌کردن اقتضات خاص هر کشور در سیاست‌گذاری رشد، استدلال در زمینه فقدان نسخه واحد برای توسعه اقتصادی، نقد جهان‌روایی آموزه‌های نئوکلاسیک، تمایز میان شروع رشد و تداوم آن، و نقد اغراق در مزایای آزادسازی تجارت است. از جمله چالش‌های کتاب استفاده از عنوان تجویز در عنوان کتاب به‌جای دستورالعمل، مشکلات پیاده‌سازی روش آسیب‌شناسی رشد، بهره‌گیری از روش‌های کیفی به‌جای کمی در آسیب‌شناسی رشد در عمل، نامشخص بودن سیاست‌ها و اقدامات لازم برای مرحله دوم در تداوم رشد، و نقدهای روش‌شناختی آسیب‌شناسی رشد است.

کلیدواژه‌ها: توسعه اقتصادی، جهانی شدن، نهادها، رشد اقتصادی، بهینه دوم.

* استاد اقتصاد، عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران،
h.jalili@ihcs.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۲۸، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۰۶



۱. مقدمه

کتاب یک علم اقتصاد، تجویزهای بسیار، نوشته دنی رودریک و ترجمه هادی ورتایان کاشانی، را انتشارات پیک نور و معاونت امور اقتصادی در وزارت امور اقتصادی و دارایی در زمستان ۱۳۹۷ منتشر کرده است. انتشارات دانشگاه پرینستون نیز متن انگلیسی کتاب را در سال ۲۰۰۷ منتشر کرده است.

این کتاب تاکنون به شش زبان لهستانی، چینی، کره‌ای، اسپانیولی، ترکی، و فارسی ترجمه شده است. مقالات این کتاب (به جز فصل چهارم) قبلاً در مجلات اقتصادی منتشر شده‌اند، ولی در مورد رشد، نهادها، و جهانی شدن دیدگاه منسجمی از سیاست‌گذاری توسعه اقتصادی را ارائه می‌دهند. اولین محور مباحث کتاب این است که دولت نقش مثبتی در رشد و توسعه اقتصادی ایفا می‌کند که فراتر از قادرسازی بازارها برای کارکرد خوب است. دومین محور کتاب که عنوان کتاب است این موضوع است که هرچند یک علم اقتصاد وجود دارد، اما هیچ دستورالعمل واحدی برای توسعه اقتصادی وجود ندارد. در میان آثار رودریک، این کتاب از موقعیت بانفوذی برخوردار بوده و رویکرد اثر در ارائه دیدگاه بدیل در رشد و توسعه اقتصادی مورد استقبال اقتصاددانان قرار گرفته است. علت انتخاب اثر برای بررسی همانا گستره تأثیرگذاری دیدگاه‌های کتاب، جایگاه رفیع کتاب در میان آثار رودریک، و مفید بودن آن در زمینه تدوین الگوی بومی پیشرفت است.

رودریک در مقدمه کتاب بیان می‌کند که به لحاظ تاریخی هیچ ابزاری به اندازه رشد اقتصادی در توان‌مندسازی جوامع برای ارتقای فرصت‌های زندگی شهروندان، از جمله افراد بسیار فقیر، مؤثر نبوده است. از این رو، این کتاب حاصل تلاش رودریک در جهت درک دلایل موفقیت و شکست در زمینه رشد اقتصادی در چند دهه اخیر و ارائه تجربیات آن است. در این کتاب، نویسنده دو هدف اصلی را دنبال می‌کند. هدف نخست ارائه تفسیری از تجربیات رشد اقتصادی در گذشته و استخراج و ارائه راه‌نمایی‌هایی برای سیاست‌های آتی است. هدف دیگر آن توضیح ماهیت ترتیبات نهادی، ملی، و جهانی است که بیش‌ترین حمایت را از توسعه اقتصادی در دوره‌های زمانی بلندمدت فراهم می‌کنند (رودریک ۱۳۹۷: ۱۱).

از نظر رودریک، سیاست توسعه باید با محدودیت‌های دست‌وپاگیر رشد مقابله کند، به جای این که کورکورانه از فهرست از پیش تعیین‌شده اصلاحات (مانند اجماع واشنگتنی^۱) پیروی کنند. حتی فراتر از آن، حتی اگر دو کشور محدودیت دست‌وپاگیر مشترکی داشته

باشند (مانند دست‌رسی محدود به اعتبار)، وجود سایر محدودیت‌ها، مانند شرایط سیاسی و نهادهای غیررسمی، بیان‌گر نیاز به راه‌حل‌های مختلف برای کشورهاست. علاوه بر آن، تعمیق ادغام اقتصادی ناشی از جهانی شدن گزینه‌های سیاستی برای کشورهای فقیر را محدود می‌سازد. از نظر رودریک، فرایندی که کشورها از طریق آن نهادهای خوب را به دست می‌آورند کاملاً خاص (idiosyncratic) و متناسب با شرایط آن کشور (context-specific) است (Rodrik 2007: 5).

مسئله مهم این است که دانش رشد و توسعه گسترش یافته است، ولی سیاست رشد و توسعه در عمل موفقیت چندانی نداشته است. از این رو، رودریک رویکردهای غالب در سیاست توسعه (یعنی اجماع واشنگتنی مبتنی بر اقتصاد نئوکلاسیک) را نقد می‌کند و رویکردی بدیل ارائه می‌کند و آن را دست‌پخت دیگری بر اساس علم اقتصاد می‌داند. سؤال این است که چگونه دیدگاه‌های نامتعارف رودریک مورد استقبال قرار می‌گیرد، در حالی که با اقتصاد نئوکلاسیک مغایرت دارد. پاسخ این پرسش را رودریک در کتاب *اقتصاد حکم می‌راند* داده است. وی می‌نویسد:

من بارها منطق مرسوم بین اقتصاددانان را نادیده گرفته‌ام... اغلب به‌سان اقتصاددانی نامتعارف در این رشته دیده می‌شوم... یک همکار اقتصاددان هاروارد هر بار مرا می‌بیند می‌گوید انقلاب چگونه پیش می‌رود؟... من به نتایج سیاست‌گذاری می‌رسم که متفاوت از بیش‌تر بینش‌های دانشگاهی رایج است... برای محسوب شدن به‌سان یک خودی باید در چهارچوب قواعد (علم اقتصاد) عمل کرد. اگر کار من در اقتصاد مورد قبول قرار گرفته بدین دلیل است که از این قواعد پیروی کرده‌ام (رودریک ۱۳۹۵: ۲۴۰).

رودریک، با توجه به موقعیتی که در دانشگاه هاروارد دارد، یک منتقد زیرکانه اقتصاد نئوکلاسیک است و دیدگاه‌های خود در نقد اقتصاد نئوکلاسیک را به‌عنوان سایر تحلیل‌های ممکن بیان می‌کند. نقد مقررات سازمان جهانی تجارت، دفاع از سیاست صنعتی، و آسیب‌شناسی رشد با مداخله دولت به‌رغم تعارض با اقتصاد نئوکلاسیک را مطرح می‌کند. وی موفقیت اقتصادی اقتصادهایی که از اجماع واشنگتنی پیروی نکردند، به‌ویژه چین و کره جنوبی را مطرح می‌کند. از طرف دیگر، رودریک نتیجه‌گیری می‌کند که «شناسایی موارد رشد بالا که عناصر غیرارتدوکس نقشی نداشته‌اند دشوار است» (Rodrik 2007: 40). سیاست‌های نامتعارف توسعه سیاست‌هایی هستند که میان اقتصاد نئوکلاسیک (مانند اجماع واشنگتنی) و استراتژی‌های توسعه کاملاً دولتی قرار دارند (یعنی بهینه دوم هستند).

در نظر رودریک، طیف محدودی از اصلاحات نامتعارف می‌تواند رشد اقتصادی را آغاز کند، همان‌طور که در تجربه اخیر چین، هند، و ویتنام بود (ibid.: 6). به دلیل شکست‌های (نارسایی‌های) بازار، مانند سرایت اطلاعاتی و شکست‌های هماهنگی که از روند تحول ساختاری جدایی‌ناپذیرند، این اصلاحات متضمن بیش از تضمین حقوق مالکیت است؛ آنچه مورد نیاز است استراتژی‌های عمومی فعال برای شروع رشد و حفظ پویایی تولید است. شرق آسیا که به‌طور استثنایی رشد کرده است، التزام محدودی به سیاست‌های اجماع واشنگتنی داشته است. اصلاحات چین از اجماع واشنگتن پیروی نکرد، بلکه سیاست‌های نامتعارف و نوآورانه‌ای را به کار گرفت.

سازمان‌دهی مقاله به ترتیب زیر است. پس از مقدمه، در بخش دوم، معرفی مؤلف و آثار وی ارائه می‌شود. در بخش سوم، ساختار کتاب و محتوای فصول ارائه می‌شود. بخش چهارم به نقد شکلی اثر و بخش پنجم به نقد محتوایی اثر اختصاص دارد. بخش ششم به نقد روش‌شناختی آسیب‌شناسی رشد پرداخته است. سرانجام، نتیجه‌گیری بخش پایانی مقاله را تشکیل می‌دهد.

۲. معرفی مؤلف و آثار وی

دنی رودریک (۱۹۵۷-) استاد اقتصاد در دانشگاه هاروارد است. رودریک اقتصاددانی است که در زمینه تجارت بین‌الملل، اقتصاد توسعه، روش‌شناسی اقتصاد، رشد اقتصادی، و جهانی‌شدن اقتصاد کتاب‌ها و مقالات تأثیرگذاری داشته است، هرچند بیش‌تر آثار رودریک در زمینه رشد و توسعه اقتصادی بوده است.

باتوجه به این‌که کتاب مورد بررسی رودریک در سه زمینه رشد اقتصادی، نهادها، و جهانی‌شدن است، مهم‌ترین آثار رودریک در این سه زمینه معرفی می‌شوند؛ کتاب‌های صحبت بی‌برده درباره تجارت: ایده‌هایی برای یک اقتصاد سالم (۲۰۱۷)،^۲ پارادوکس جهانی‌شدن (۲۰۱۱)،^۳ در جست‌وجوی رونق: روایت‌های تحلیلی درباره رشد اقتصادی (۲۰۰۳)،^۴ حکم‌رانی جهانی تجارت آن‌گونه که توسعه واقعاً اهمیت دارد (۲۰۰۱)،^۵ آیا جهانی‌شدن خیلی جلو رفته است؟ (۱۹۹۷)،^۶ مقاله‌های «آسیب‌شناسی رشد» (۲۰۰۸)،^۷ «آیا نیاز به بازاندیشی سیاست‌های رشد داریم؟» (۲۰۱۲)،^۸ و سرانجام کتاب یک علم اقتصاد، تجویزهای بسیار: جهانی‌شدن، نهادها، و رشد اقتصادی (۲۰۰۷)^۹ که در این سه زمینه منتشر شده است.

۳. ساختار کتاب

کتاب یک علم اقتصاد، تجویزهای بسیار شامل سه بخش و نه فصل است. بخش اول، با عنوان رشد اقتصادی، مشتمل بر سه فصل است. در فصل اول، به تفسیر تجربه پنجاه سال رشد و کاستی‌های آن می‌پردازد. فصل دوم به تبیین آسیب‌شناسی رشد اختصاص دارد و در فصل سوم، راه‌یافتی عملی برای راه‌بردهای رشد ارائه می‌شود.

بخش اول به این پرسش می‌پردازد که چرا رشد اقتصادی در برخی کشورها سریع‌تر از کشورهای دیگر است و تجربیات مربوط به رشد کشورهای موفق چه درس‌هایی در زمینه راه‌بردهای رشد دارد. فصل اول در زمینه رشد اقتصادی دو استدلال را مطرح می‌کند. نخست آن‌که تحلیل اقتصادی نئوکلاسیک در سیاست‌گذاری منعطف است. حفاظت از حقوق مالکیت و رقابت مبتنی بر بازار به سیاست‌های منحصربه‌فرد منتهی نمی‌شود، بلکه می‌تواند، با توجه به شرایط بومی، به طراحی خلاقانه نهادها بپردازد. کشورهای موفق کشورهایی هستند که از این امکان بهره‌برداری کرده‌اند. دوم آن‌که شروع رشد اقتصادی و تداوم آن تفاوت دارد. برای شروع رشد اقتصادی به فشار بزرگ نیاز نیست، بلکه رفع محدودیت‌های دست‌وپاگیر لازم است، هرچند تداوم رشد اقتصادی مستلزم وجود سیاست‌ها و نهادهایی برای حمایت از مولد بودن اقتصاد و فراهم کردن قابلیت تاب‌آوری برای اقتصاد در برابر شوک‌هاست. در این زمینه، باید از بسته سیاستی مانند اجماع واشنگتنی اجتناب کرد. اقتصادهای آمریکای لاتین که از این اجماع پیروی کردند، دچار کاهش رشد شدند. علاوه بر آن، سیاست‌های موفق چین، هند، و شرق آسیا با سیاست‌های اجماع تطابق اندکی دارند. از این رو، سیاست‌های مناسب هر کشور برای رشد باید متناسب با شرایط همان کشور باشد.

فصل دوم به تبیین آسیب‌شناسی رشد می‌پردازد و چهارچوبی برای شناسایی محدودیت‌های دست‌وپاگیر رشد اقتصادی ارائه می‌شود. براساس این چهارچوب، راه‌بردهای اصلاحی می‌توانند بر حوزه‌هایی متمرکز شوند که در رشد اقتصادی بیش‌ترین و فوری‌ترین تأثیرگذاری را دارند. در چهارچوب آسیب‌شناسی رشد، به‌منظور شناسایی محدودیت‌های دست‌وپاگیر رشد اقتصادی از روش «درخت تصمیم» (decision tree) استفاده می‌شود. ابتدا، این سؤال مطرح می‌شود که چه عواملی رشد اقتصادی را پایین نگه داشته‌اند؟ آیا بازدهی ناکافی سرمایه‌گذاری محدودیت دست‌وپاگیر رشد اقتصادی است یا محدودیت دسترسی به منابع مالی عامل آن است؟ در گام بعدی، روی درخت تصمیم

به سطحی پایین‌تر حرکت می‌کنیم. به‌عنوان نمونه، اگر مشخص شد که بازدهی اندک محدودکننده رشد است، سپس این سؤال مطرح می‌شود که آیا دلیل این امر موقعیت جغرافیایی نامطلوب است؟ یا سرمایه انسانی اندک یا زیرساخت‌های ناکافی؟ این رویه تحلیلی ادامه می‌یابد تا محدودیت دست‌وپاگیر رشد شناسایی شود. در بخش پایانی این فصل، کاربرد این روش در مورد سه کشور آمریکای لاتین یعنی السالوادور، برزیل، و جمهوری دومینیکن بررسی شده است.

فصل سوم به چگونگی صورت‌بندی راه‌بردهای رشد در سه گام می‌پردازد. گام نخست تجزیه و تحلیل آسیب‌شناسی رشد اقتصادی است. دومین گام رفع محدودیت‌های شناسایی‌شده در گام نخست است. بدین منظور، باید از سیاست‌هایی که با آگاهی نسبت به ویژگی‌های بومی (و آمایش سرزمین) طراحی شده‌اند استفاده کرد. گام سوم تقویت زیرساخت‌های نهادی اقتصاد، حفظ، و ارتقای تنوع فعالیت‌های تولیدی است.

بخش دوم کتاب بر موضوع نهادها تمرکز دارد و مشتمل بر سه فصل است. فصل چهارم به تحلیل سیاست صنعتی در قرن بیست‌ویکم می‌پردازد، در فصل پنجم نهادهای پشتیبان رشد اقتصادی با کیفیت بالا معرفی می‌شود، و در فصل ششم ماهیت صحیح نهادها تبیین می‌شود.

فصل چهارم به بحث درباره فعالیت‌های تولیدی پرداخته است و این سؤال را مطرح می‌کند که چه نهادهایی می‌توانند توانایی تنوع‌بخشی به ساختارهای تولیدی و دستیابی به رشد اقتصادی پایدار را برای کشورهای در حال توسعه فراهم کنند. تحول ساختاری مشخصه اصلی توسعه است. این فرایند خودکار نیست و به اقداماتی فراتر از کارکرد بازارها نیاز دارد. سیاست صنعتی سرمایه‌گذاری و کارآفرینی برای خلق مزیت را تشویق می‌کند. لازمه آن انتخاب برندگان (picking winners) توسط دولت و حمایت از آنهاست. مخالفان (نئوکلاسیک) سیاست صنعتی شواهدی ارائه می‌کنند مبنی بر این که دولت‌ها قادر به انتخاب برندگان نیستند و آن را باید به بازار واگذار کرد. در این فصل نشان داده شده که این استدلال برداشتی اشتباه از سیاست صنعتی و نحوه کارکرد آن است، زیرا سیاست صنعتی فرایند همکاری راه‌بردی میان بخش‌های خصوصی و دولتی است که هدف آن شناسایی موانع و چالش‌های سرمایه‌گذاری در حیطه‌های جدید و همچنین، طراحی سیاست‌های مناسب برای رفع آنهاست. در این فصل، ویژگی‌های نهادی سیاست صنعتی بیان می‌شود.

فصل پنجم به تبیین نهادهای پشتیبان رشد اقتصادی، عملکرد خوب بازارها، و شکوفایی اقتصادی در بلندمدت می‌پردازد. ابتدا، انواع نهادهایی را برمی‌شمارد که سبب عملکرد مناسب بازارها می‌شوند. سپس، بر اهمیت دانش بومی در طراحی نهادهای مناسب رشد تأکید کرده است. در این ارتباط، استدلال شده است که نظام‌های سیاسی مشارکتی و غیرمتمرکز مؤثرترین نوع نظام سیاسی موجود از لحاظ پردازش و تجمیع دانش بومی هستند. نظام‌های سیاسی مشارکتی توانایی دستیابی به رشد اقتصادی بالا و باکیفیت را ایجاد می‌کند.

فصل ششم به نقد ادبیات مرتبط با نهادها می‌پردازد و برخی از مباحث این حوزه بررسی می‌شود. هم‌چنین، در این فصل به این پرسش‌ها پاسخ داده شده است: اگر توجه خود را روی نهادها، به معنی قواعد بازی در یک جامعه، به عنوان عوامل تعیین‌کننده بنیادی رشد بلندمدت متمرکز کنیم، آیا بدان معنا خواهد بود که سیاست‌های اقتصادی نقش اندکی در رشد اقتصادی ایفا می‌کنند؟ اگر نقش نهادها در تعیین سطوح درآمد بسیار بیش‌تر از نقش جغرافیا در نظر گرفته شود، آیا این به معنای بی‌تأثیری جغرافیاست؟ اگر حقوق مالکیت نقش حیاتی در رشد دارد، آیا بدان معناست که کشورهای در حال توسعه حقوق مالکیت رایج در ایالات متحده آمریکا یا اروپا را اقتباس کنند؟ در این فصل، استدلال می‌شود که پاسخ تمام این پرسش‌ها منفی است.

بخش سوم کتاب به جهانی شدن اختصاص دارد. در فصل هفتم، درباره حاکمیت جهانی شدن اقتصاد بحث شده است و در فصل هشتم حاکمیت تجارت جهانی، با توجه به توسعه اقتصادی، تحلیل می‌شود. سرانجام، فصل نهم به این پرسش پاسخ می‌دهد که جهانی شدن به نفع چه کسانی است؟

در فصل هفتم، توضیح داده شده است که چالش اصلی اقتصاد جهانی تنش میان «ماهیت جهانی» بسیاری از بازارهای کنونی کالاها، خدمات و سرمایه، و «ماهیت ملی» اکثر نهادهای پشتیبان و حامی این بازارهاست. وجود این مغایرت باعث می‌شود تا امکان برقراری هم‌زمان کارایی، برابری، و مشروعیت وجود نداشته باشد. در چنین شرایطی، می‌توان با طراحی نهادهای مناسب برای حکمرانی اقتصادی بخش عمده منافع جهانی شدن اقتصاد را به دست آورد.

در فصل هشتم بحث می‌شود که سازمان جهانی تجارت از اهداف اولیه خود که همانا توان‌مندسازی کشورها برای غلبه بر فقر است، فاصله می‌گیرد و هدف حداکثرکردن

تجارت را دنبال می‌کند. در چنین شرایطی، منافع کشورهای در حال توسعه از منظر رشد اقتصادی اصرار بر افزایش دسترسی به بازارهای کشورهای ثروت‌مند نیست، بلکه چالش اصلی این کشورها آن است که چگونه مقررات تجارت جهانی را با الزامات توسعه‌ای خود سازگار کنند. از این منظر، رژیم تجاری مطلوب آن است که فضای سیاست‌گذاری بیش‌تری را برای پی‌گیری راه‌بردهای رشد در اختیار کشورهای در حال توسعه قرار دهد. راه‌بردهایی که شامل سیاست‌هایی نظیر اعطای یارانه صادراتی، حفاظت تجاری، و قواعد ضعیف ثبت اختراع می‌شود. هم‌چنین، می‌توان از طریق طراحی اقدامات حفاظتی نهادی به این اطمینان دست یافت که این‌گونه اقدامات در کشورهای در حال توسعه به حمایت‌گرایی منجر نشود. براساس این نگرش جدید، سازمان جهانی تجارت دیگر نباید به‌عنوان هماهنگ‌کننده سیاست‌ها و رویه‌های تجاری میان کشورها عمل کند، بلکه باید به‌عنوان سازمانی که وجوه مشترک بین نهادها و رویه‌های متفاوت ملی را مدیریت می‌کند به ایفای نقش پردازد. کشورهای در حال توسعه نیز دیگر نباید خود را وارد بازی موافقت‌نامه‌های تجاری و دسترسی به بازارهای دوجانبه کنند، بلکه باید از دسترسی به تمام ابزارهای سیاستی موردنیاز خود اطمینان یابند. بر این اساس، رودریک گسترش «موافقت‌نامه مربوط به حفاظت‌ها» (agreement on safeguards) در سازمان جهانی تجارت را پیش‌نهاد می‌کند (Rodrik 2007: 215).

در فصل نهم، ارتباط میان رشد اقتصادی و جهانی شدن بحث شده است. این پیش‌نهاد مطرح شده است که اگر مذاکره‌کنندگان تجارت جهانی در قصد خود برای مفیدبودن جهانی شدن برای کشورهای در حال توسعه جدی هستند، باید مجوز کار به کارگران غیرماهر کشورهای فقیر برای یک دوره سه تا پنج‌ساله در کشورهای ثروت‌مند اعطا کنند. اگر جهانی شدن وجه ناشناخته‌ای داشته باشد، آن جابه‌جایی نیروی کار است، درحالی‌که انعطاف در قواعد جابه‌جایی نیروی کار در سطح بین‌المللی فواید زیادی برای کارگران کشورهای در حال توسعه دارد.

۴. ارزیابی شکلی اثر

کتاب انگلیسی و ترجمه فارسی آن هر دو نثر روان و رسایی دارند. قواعد عمومی نگارش و ویرایش به‌خوبی رعایت شده و ترجمه فارسی دارای ویراستار ادبی است. از نظر کیفیت چاپ، طرح جلد، حروف‌نگاری، صفحه‌آرایی، صحافی، و قطع کتاب، مانند سایر انتشارات

رشد اقتصادی، نهادها و جهانی شدن؛ ... (سیدحسین میرجلیلی) ۱۴۳

معاونت امور اقتصادی در وزارت امور اقتصادی و دارایی، مناسب است. از نظر اغلاط چاپی در ترجمه کتاب، مواردی مانند اغلاط زیر به چشم می خورد:

«تکنولوژی» (رودریک ۱۳۹۷: ۱۰۸، سطر ۷)، تکنولوژی صحیح است؛

«عبایی» (همان: ۲۸۲)، ابایی درست است؛

«حوزه‌های» (همان: ۲۹۸)، حوزه‌های درست است.

از نظر معادل‌سازی اصطلاحات تخصصی، مواردی وجود دارد که نیازمند بازنگری است. موارد ذیل از آن جمله است:

ترجمه «قیود الزام‌آور» (binding constraints) (همان: ۹۳، ۱۱۰) در واقع به معنای «محدودیت‌های دست‌وپاگیر» است که معادل مناسبی است.

ترجمه «نقائص هماهنگی» (coordination failure) (همان: ۱۰۸) می‌تواند با عبارت «نارسایی در هماهنگی» جای‌گزین شود.

ترجمه «جنبه‌های تجاری حقوقی مالکیت معنوی» (trade related intellectual property rights) (همان: ۱۶۵) پیش‌نهاد می‌شود با «حقوق مالکیت فکری مرتبط با تجارت» جای‌گزین شود که معادل مناسبی است.

برای معادل‌سازی انگلیسی «راه‌برد چماق و هویج» (carrot and stick strategy) (همان: ۱۷۱، سطر آخر) «راه‌برد تنبیه و تشویق» معادل مناسبی است.

ترجمه «استدلال پیشینی» (ex-ante) (همان: ۱۸۱، سطر ۱۳) در واقع به معنای استدلال معطوف به آینده است و برعکس پیشینی و دلیل قبلی است که در ترجمه ذکر شده است. برای معادل انگلیسی «تک‌سایز» (one-size-fit-all) (همان: ۱۸۲) عبارت «یک سیاست مناسب برای همه» برای متن مناسب به نظر می‌رسد.

برای ترجمه «مالکیت معنوی» (همان: ۲۱۲) «مالکیت فکری» می‌تواند استفاده شود.

عبارت ترجمه‌شده «توسعه نسبی» (comparative development) (همان: ۲۶۲) در واقع به معنای «توسعه تطبیقی» (مقایسه‌ای) است.

معادل انگلیسی «کت بند زرین» (straitjacket) (همان: ۲۸۶) در واقع به معنای «جلیقل نجات» است.

برای عبارت «سازمان تجارت جهانی» (همان: ۳۰۳) «سازمان جهانی تجارت» معادل مناسبی است.

سرانجام این‌که متن انگلیسی کتاب نمایه موضوعی دارد، درحالی‌که کتاب ترجمه‌شده فاقد آن است.

۵. ارزیابی محتوای اثر

در زمینه محتوای کتاب، قوت‌ها و ضعف‌های زیر وجود دارد:

اول، در عنوان کتاب، «تجویزهای بسیار» ترجمه شده است، درحالی‌که معادل تجویز prescription است. ترجمه «دستورالعمل‌های بسیار» مناسب‌تر است، زیرا کلمه recipe به معنای دستورالعمل آشپزی و پخت‌وپز است. علاوه‌برآن، این سؤال مطرح می‌شود که آیا این یک «کتاب آشپزی» است؟ در کاربردهای رایج، به‌کاربردن عبارت «کتاب آشپزی» (cookbook) برای یک متن علمی (البته، خارج از رشته آشپزی) عبارتی تحقیرآمیز است. این کتاب مشتمل بر دستورالعمل‌های سیاستی برای سیاست‌گذاران اقتصادهای درحال توسعه است، اما مناسب نیست که آن را به «کتاب آشپزی» تشبیه کنیم، زیرا این کتاب چگونگی دست‌یابی به تصمیمات سیاستی را نیز توضیح می‌دهد. ترجمه مناسب‌تر برای عنوان کتاب «یک علم اقتصاد، دستورالعمل‌های بسیار» است.

دوم، هرچند رودریک در مقدمه مبانی فکری کتاب را مبتنی بر تحلیل‌های اقتصادی نئوکلاسیک می‌داند، ولی جنبه نوآورانه و متمایز کتاب در تمایز دیدگاه وی با اتفاق نظر اقتصاددانان نئوکلاسیک است. تمایز دیدگاه رودریک از دیدگاه اقتصاددانان نئوکلاسیک، درخصوص سیاست توسعه، ناشی از قرائت متفاوت شواهد و حقایق آشکارشده از کشورهای درحال توسعه و ارزیابی متفاوت وی از اقتصاد سیاسی این کشورهاست. بنابراین، درعمل کاستی‌های روش‌شناسی اقتصاد نئوکلاسیک را در تجویزهای سیاستی جهان، که درقبال کشورهای درحال توسعه روا داشته شده است، باوجود تفاوت‌های آن‌ها، نشان می‌دهد.

دیدگاه رودریک به‌صراحت اقتصاد دومین بهترین (second best) برای اقتصادهای درحال توسعه است. بر این اساس، استدلال می‌کند که هرچند یک علم اقتصاد وجود دارد، اما نسخه واحدی برای توسعه اقتصادی وجود ندارد و حتی برای یک چالش یک‌سان در دو اقتصاد نمی‌توان راه‌حل واحدی ارائه کرد. درواقع، لحاظ اقتضائات خاص (context-specific) هر کشور در سیاست‌گذاری رشد اقتصادی از ممیزات فکری و نقطه قوت کتاب رودریک

است. استدلال وی آن است که اصلاحات سیاستی زمانی با موفقیت همراه خواهند شد که در تدوین آنها، در کنار اصول اقتصادی، ظرفیت‌ها، محدودیت‌ها، و فرصت‌های یک کشور نیز مدنظر قرار گیرد. از آنجاکه شرایط کشورها با یکدیگر متفاوت است، در نتیجه اصلاحات مشابه نتایج متفاوتی در پی خواهد داشت. به همین جهت، اتخاذ سیاست‌های رشد اقتصادی نیازمند دانش قابل ملاحظه بومی در خصوص شرایط کشور است. بنابراین، رودریک طرف‌دار تحلیل زمینه‌ای (contextual analysis) برای رشد اقتصادی است.

البته، این موضع رودریک مشروط بر آن است که زمینه و شرایط کشور تغییر نکند، اما باتوجه به این که عمده کشورهای در حال توسعه دچار تحول دائم‌اند، آسیب‌شناسی پویا مورد نیاز است.

رودریک، برای تبیین تمایز فکری خود، در فصل اول تحلیل اقتصادی نئوکلاسیک را بسیار منعطف می‌داند. در فصل سیاست صنعتی بیان می‌کند که تحلیل اقتصادی نئوکلاسیک ترتیبات نهادی را تعیین نمی‌کند. علاوه بر آن، در همان فصل سیاست صنعتی، می‌افزاید که نوآوری‌های نهادی مؤثر در یک کشور لزوماً در سایر کشورها اثربخش نخواهند بود.

رودریک مطالعه دقیق شواهد تجربی را بسیار مهم می‌داند، زیرا بر این باور است که دستورالعمل‌های اقتصاددانان باید مبتنی بر تجربیات و آگاهی کامل از شواهد باشد. از این رو، در کنار مدل‌های رگرسیونی بین‌کشوری مطالعه دقیق و جامع کشورها را نیز ضروری می‌داند. بر این اساس، معتقد است که اگر اعتبار نتایج به دست آمده از مدل‌های رگرسیونی به وسیله مطالعات موردی تأیید نشد، باید به آنها به دیده تردید نگریست. در نهایت، وی نتیجه‌گیری می‌کند که برای توضیح پدیده‌های جهان واقعی به هر دو شواهد (شرایط اقتصاد - نتایج مدل‌ها) نیاز داریم.

نگاه متمایز رودریک به نئوکلاسیک‌ها در مورد نقش دولت این است که دولت با خیرخواهی می‌تواند نقش مثبتی در توسعه اقتصادی داشته باشند؛ نقشی که فراتر از توان‌مهندسازی بازارها و ارتقای عملکرد آنهاست. سیاست‌های رشد مناسب برای هر کشور تابع شرایط و اقتضات خاص همان کشور است. دلیل این امر آن نیست که علم اقتصاد در ساختارها و تنظیمات نهادی مختلف کارکرد و تأثیر متفاوتی دارد، بلکه به این دلیل است که محیطی که در آن خانوارها، بنگاه‌ها، و سرمایه‌گذاران فعالیت می‌کنند، از نظر فرصت‌ها و محدودیت‌هایی که با آن مواجه‌اند، با یکدیگر متفاوت

است. تقلید و اقتباس (یا رد) بی‌کم‌وکاست سیاست‌ها بدون کسب آگاهی کامل از شرایطی که زمینه موفقیت (یا شکست) آن کشور را فراهم کرده تجویز فاجعه است. به همین دلیل، شناسایی محدودیت‌های دست‌وپاگیر در رشد اقتصادی از موضوعات اصلی این کتاب است. در واقع، آنچه دولت‌ها به آن نیاز دارند، فهرستی از اصلاحات سیاستی در حوزه‌های مختلف نیست، بلکه رویکرد آسیب‌شناسانه است که، مبتنی بر شواهد و واقعیت‌های بومی، به شناسایی اولویت‌ها بپردازد.

سوم، نقطه قوت دیگر کتاب که از ابتکارهای رودریک است تمایز میان شروع رشد اقتصادی و تداوم آن است. موضوع شروع رشد، از زاویه‌ای که رودریک مطرح کرده است، در متون اقتصاد کلان و اقتصاد رشد مورد بحث قرار نمی‌گیرد. آسیب‌شناسی رشد، به‌عنوان بدیل سیاست‌های اجماع و اشنگتنی و تعدیل اقتصادی، برای شروع رشد از طریق شناسایی و رفع محدودیت‌های دست‌وپاگیر در هر کشور است. برای تداوم رشد اقتصادی، اقدام دولت از طریق اتخاذ سیاست صنعتی و انتخاب برندگان را مطرح می‌کند تا از تنوع‌بخشی به تولید و صادرات حمایت کند.

چهارم، ابتکار دیگر کتاب رودریک ارائه تجویزی برای انعطاف‌پذیرتر شدن سازمان جهانی تجارت و نقش تجارت در توسعه اقتصادی است. رودریک از اغراق در بیان مزایای آزادسازی تجارت در محافل سیاست‌گذاری انتقاد می‌کند و می‌نویسد: «شواهد کم‌یابی طی پنجاه سال گذشته وجود دارد که نشان دهد اقتصادهای درون‌نگر، به‌طور سیستماتیک، رشد اقتصادی سریع‌تری از اقتصادهای باز تجربه کرده‌اند» (Rodrik 2007: 221). در فصل اول استدلال می‌کند: «صنعتی شدن مبتنی بر جای‌گزینی واردات، در تحریک رشد اقتصادی تعدادی از کشورهای در حال توسعه مانند برزیل، مکزیک، و ترکیه کاملاً مؤثر بوده است (ibid.: 50). از نظر رودریک، رژیم تجاری مطلوب آن است که فضای سیاست‌گذاری بیش‌تری را برای پی‌گیری استراتژی‌های رشد در کشورهای در حال توسعه فراهم کند.

پنجم، در مرحله اول، از طریق شناسایی تنگناهای رشد و با رفع موانع رشد، کشورها می‌توانند به مرحله دوم دست یابند که همانا تداوم رشد است، اما تفاوت میان کشورها در مرحله دوم (تداوم رشد)، سیاست‌ها، و اقدامات لازم در کتاب رودریک نامشخص است. از آن‌جاکه رسیدن به مرحله تداوم رشد هدف سیاست توسعه است، این پرسش مطرح می‌شود که چرا اکثر کشورها قادر به تداوم رشد اقتصادی نیستند. علاوه‌بر آن، درباره سازوکار انتقال از مرحله اول (شروع رشد) به مرحله دوم (تداوم رشد) در کتاب رودریک

توضیح داده نشده است. هم‌چنین، دربارهٔ مرحلهٔ دوم رشد، تنها به ترتیبات نهادی مساعد رشد در این کتاب اشاره شده است، اما به نحوهٔ شناسایی نهادهای مناسب هر کشور، که با رشد پایدار سازگارند، پرداخته نشده است.

ششم، تعارض یا چگونگی توافق و مصالحه میان زمینه و اقتضائات خاص هر کشور (که رودریک طرف‌دار آن است) و قواعد جهان‌شمول و اصول استاندارد در سیاست توسعه توضیح داده نشده است. رویکرد اقتضائات خاص و منحصربه‌فرد بودن هر کشور و الگوی توسعهٔ آن، که مکتب تاریخی نیز طرف‌دار آن است، می‌تواند به نسبی‌گرایی سیاست‌های توسعهٔ اقتصادی بینجامد که در هر شرایط با شرایط دیگر تفاوت دارد. از نظر اندیشمندان مکتب تاریخی، هر اقتصادی باید در پی درک قوانین تطور خود باشد، زیرا توسعهٔ هر اقتصادی منحصربه‌فرد است و هر اقتصادی الگوی توسعهٔ اقتصادی خود را دارد که از شناخت ویژگی‌های خاص هر جامعه، اقتصاد، و پیشینهٔ اقتصادی مختلف با یک‌دیگر به‌دست می‌آید (میرجلیلی ۱۳۸۶: ۵۷). یکی از مهم‌ترین آموزه‌های مکتب تاریخی آن است که چون هر اقتصادی منحصربه‌فرد است، لذا الگوی توسعهٔ اقتصادی خاص خود را دارد که از آن می‌توان به الگوی بومی توسعه تعبیر کرد. این بدان معناست که در اتخاذ الگوی توسعهٔ اقتصادی باید از نسخه‌برداری پرهیز و از نسخهٔ مناسب اقتصاد آن سرزمین پیروی کرد (همان: ۷۰). درحالی‌که، درعین‌صاحب بودن شرایط توسعهٔ خاص هر کشور، یک سری آموزه‌های مشترک براساس تجربهٔ توسعهٔ کشورهای مختلف وجود دارد که در همهٔ کشورها صادق است. نسبی‌گرایی باعث می‌شود از تجربهٔ توسعهٔ سایر کشورها غفلت شود، به‌دلیل این‌که هر اقتصادی را منحصربه‌فرد می‌داند. به این تعارض در زمینهٔ سیاست توسعه در کتاب رودریک پرداخته نشده است.

هفتم، از جهت بررسی درون‌ساختاری، انسجام و نظم منطقی مطالب در کل اثر و بین فصول اصلی آن وجود دارد. از مجموع نه فصل کتاب، سه فصل از کتاب به رشد، سه فصل دیگر به نهادها، و سرانجام سه فصل پایانی به جهانی‌شدن اختصاص یافته است. هر فصل نیز، به‌طور منسجم، به تحلیل موضوع خود می‌پردازد. منابع مورد استفاده در کتاب علمی، معتبر، تاحدی جامع، و روزآمدند و به‌قدر کفایت از آن‌ها استفاده شده است، به‌طوری‌که هجده صفحه از انتهای کتاب (رودریک ۱۳۹۷: ۳۵۱-۳۶۸) به فهرست منابع اختصاص یافته است.

بررسی و پردازش تجویزهای متعدد از علم واحد در کتاب به‌طور مستدل انجام شده است. نقد دیدگاه نئوکلاسیک با ظرافت و با استفاده از شواهد انجام شده است. نوآوری اثر در ارائه دیدگاه خلاقانه و متفاوت با طرح استدلال نو به رشد و توسعه اقتصادی است، به‌گونه‌ای که سازمان‌های اقتصادی بین‌المللی این روش را در بررسی‌های خود برگزیده‌اند. محتوای اثر با عنوان و فهرست کاملاً منطبق است. برای تفهیم موضوع از ارائه شواهد و تجربه کشورهای بهره‌گیری شده است. این اثر در جهت پاسخ‌گویی به نیاز جامعه در طراحی الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت است و می‌تواند به‌عنوان کتاب کمک‌درسی در درس رشد و توسعه اقتصادی در مقطع تحصیلات تکمیلی علوم اقتصادی مورد استفاده قرار گیرد.

۶. نقد روش‌شناختی آسیب‌شناسی رشد

اتخاذ روش آسیب‌شناسی رشد به سیاست‌گذاران رشد کمک می‌کند تا به شناسایی و رفع تنگنای رشد بپردازند. این روش به سیاست‌گذاران رشد می‌گوید که همه محدودیت‌های رشد یکسان نیستند و در انبوهی از محدودیت‌های رشد رفع کدام محدودیت اولویت دارد. کافی است به‌جای این که صرفاً به انباشت سرمایه و افزایش مهارت‌های انسانی و ارتقای بهره‌وری بپردازند و انتظار داشته باشند که رشد اقتصادی محقق شود، محدودیت‌هایی را برگزینند که در اقتصاد آن کشور دست‌وپاگیرند. هم‌چنین، این روش برای این پرسش مکرر کشورهای در حال توسعه که «چرا، با وجود انباشت سرمایه فیزیکی و انسانی، رشد بالا و مستمر به دست نمی‌آید؟»، پاسخ عمل‌گرایانه‌ای می‌دهد. درحالی‌که رویکرد نظریات رشد بدون شناسایی تنگناها فرض می‌کند که هیچ تنگنایی برای رشد اقتصادی وجود ندارد و روابط کلی و قیاسی برای به‌کارگیری عوامل مؤثر در رشد ارائه می‌کند و آن را در تمام کشورها کاربردی می‌داند (میرجلیلی ۱۳۹۵: ۲۵-۲۶). با این‌که از نقاط قوت آسیب‌شناسی رشد گفته شد، روش آسیب‌شناسی رشد با نقدهای روش‌شناختی زیر مواجه است:

اول، شناسایی محدودیت‌های دست‌وپاگیر متکی بر نظر و قضاوت تحلیل‌گر است (Sartor 2007: 12; Leipziger and Zagha 2006: 2).

دوم، آسیب‌شناسی رشد یک مسئله برنامه‌ریزی غیرخطی است که ممکن است مستلزم بیش از یک راه‌حل (محدودیت دست‌وپاگیر) باشد. هم تابع و هم محدودیت‌ها کاملاً غیرخطی هستند و به همین دلیل، پرداختن به یک محدودیت در یک زمان معمولاً یک راه ناکارآمد برای حداکثرسازی آن تابع است (Rodriguez 2005: 3).

پاسخ نظریه پردازان آسیب شناسی رشد این است که همه محدودیت‌ها به یک اندازه مهم نیستند، لذا تمرکز بر محدودیت‌هایی است که بیشترین اثر مستقیم را دارند. از این رو، می‌تواند بیش از یک محدودیت باشد که باید رفع شود یا تخفیف پیدا کند (Hausmann et al. 2008: 24).

ساکس (Sachs) نیز می‌گوید که در کشورهای در حال توسعه برای ایجاد تغییر بزرگ باید بر چند محدودیت دست‌وپاگیر متمرکز شد و نباید تنها یک محدودیت دست‌وپاگیر را مورد توجه قرار داد (Sachs cited Sartor 2007: 19).

رودریک (Rodrik 2010: 37) پاسخ می‌دهد که کشورهایی در رشد موفق‌اند که به‌طور پی‌درپی مهم‌ترین محدودیت‌های رشد را شناسایی می‌کنند و آن‌ها را با درمان‌های مناسب داخلی رفع می‌کنند.

سوم، اگر قیمت سایه یک منبع بالا باشد، در آسیب شناسی رشد گفته می‌شود که این منبع محدودیت برای رشد است، اما در شرایطی که چند اختلال وجود داشته باشد، علائم قیمتی احتمالاً شاخص‌های ناکافی برای انعکاس کم‌یابی نسبی هستند. نظریه‌پردازان آسیب شناسی رشد در پاسخ به این ضعف توصیه کردند که «علایم غیرقیمتی» را نیز در نظر بگیریم، زیرا محدودیت دست‌وپاگیر عموماً به فعالیت‌ها و ترتیباتی منجر می‌شود که برای دورزدن محدودیت انجام می‌گیرد (Hausman et al. 2008: 24).

چهارم، نقد دیگر روش آسیب شناسی رشد ماهیت ایستای آن است، در حالی که توسعه یک فرایند پویاست. این روش نمی‌گوید که وقتی با محدودیت‌های دست‌وپاگیر مقابله شد و اقتصاد شروع به رشد کرد، چگونه با محدودیت‌های دست‌وپاگیر بالقوه در آینده مواجه شویم؟ آسیب شناسی رشد بر محدودیت‌هایی متمرکز می‌شود که در زمان تحلیل دست‌وپاگیر است، اما این لزوماً برای آینده صدق نمی‌کند. به همین دلیل، این روش برای شناسایی اصلاحات نهادی که می‌تواند رشد در میان‌مدت و بلندمدت را تداوم بخشد مناسب نیست (Felipe and Usui 2008: 15).

پنجم، آسیب شناسی یک بیمار و درمان وی دو چالش متفاوت است. چگونه می‌توان نتایج آسیب شناسی رشد را به گزینه‌هایی برای سیاست‌گذاران، به‌منظور علاج، تبدیل کرد؟ «درمان شناسی رشد» (growth therapeutics) خود نیازمند ارزیابی ظرفیت یک کشور برای اجرای اصلاحات است که در این روش بدان پرداخته نشده است (Habermann and Padrutt 2012: 21).

ششم، یکی از مشکلات اجرای روش درخت تصمیم و آسیب‌شناسی رشد این است که، به دلیل نبود برخی بازارها در کشورهای درحال توسعه، محاسبه قیمت‌های سایه برای شناسایی محدودیت‌های دست‌وپاگیر رشد درعمل بسیار دشوار است. علاوه‌برآن، اگر کمبود اعتبار به دلیل اجرای ضعیف قراردادهای اعتباری باشد، انعکاس این محدودیت در قیمت‌های سایه‌ای با تردید مواجه است.

هفتم، مشکل دیگر در روش آسیب‌شناسی رشد این است که، به دلیل حصری بودن محدودیت‌ها در تنها دو یا سه مورد در درخت تصمیم (رودریک ۱۳۹۷: ۱۰۹)، اگر بررسی محدودیت ناشی از نارسایی (شکست) دولت از نوع دست‌وپاگیر تشخیص داده نشد، نتیجه آن خواهد بود که محدودیت دست‌وپاگیر ناشی از نارسایی‌های (شکست‌های) بازار است. در آن صورت، بررسی آثار خارجی ناشی از اطلاعات یا آثار بیرونی ناشی از هماهنگی، به‌منزله محدودیت دست‌وپاگیر، بسیار دشوار است.

هشتم، مسئله دیگر این است که نقطه شروع درخت تصمیم محل سؤال است و ممکن است سطح پایین سرمایه‌گذاری خصوصی و کارآفرینی مشکل اصلی رشد اقتصادی یک کشور نباشد.

نهم، آسیب‌شناسی رشد در زمینه تعارض صاحب سرمایه با نیروی کار می‌گوید این تعارض‌ها متعلق به عوامل مرتبط با قابلیت تملک است، اما ممکن است، به دلیل اختلافات داخلی یا اتحادیه‌های کارگری، قدرت‌مند باشد. چنین اختلافاتی می‌تواند بازدهی پایین سرمایه‌گذاری را باعث شود. برخی اوقات ممکن است نهاده‌ها برای یک شرکت در دسترس باشد، اما آن نهاده‌ها به دلایلی کاربردی نباشند و همین بر نرخ بازده اثر منفی می‌گذارد. این مشکل در درخت تصمیم مورد توجه قرار نگرفته است. در واقع، منطق شناسایی دست‌وپاگیرترین محدودیت‌های هر کشور سراسر نیست.

به دلیل این نوع مشکلات، مطالعات انجام‌شده برای شناسایی محدودیت‌های دست‌وپاگیر اغلب با نظرسنجی انجام می‌شود. مروری بر بررسی‌های آسیب‌شناسی رشد منتشرشده در سایت بانک جهانی حاکی از آن است که روش‌های کمی، به‌شيوه‌ای که در دستورالعمل (mind book) ارائه‌شده توسط رودریک و دیگران (Rodrik et al. 2008) بیان شده، درعمل به‌کار گرفته نشده است. به دلیل این قبیل محدودیت‌ها، تحقیقات منتشرشده در ایران در زمینه آسیب‌شناسی رشد اقتصادی از روش‌های کیفی استفاده کرده‌اند.

مهدوی و مجدزاده (۱۳۹۰) در بررسی «موانع اساسی رشد اقتصادی در ایران با مدل آسیب‌شناسی رشد» به شناسایی موانع رشد اقتصادی در ایران پرداخته‌اند. آن‌ها از رویکرد رد و قبول استفاده کردند و به‌روشنی توصیفی-تحلیلی موانع رشد اقتصادی ایران را بررسی کردند. نتایج بررسی نشان می‌دهد که محدودیت‌های رشد در ایران در دو بخش ریسک‌های خرد و کلان است. در ریسک‌های خرد مشکلات دولت در حقوق مالکیت و هماهنگی میان نهادهاست و در ریسک‌های کلان بی‌ثباتی مالی و پولی مانع رشد است.

میرجلیلی (۱۳۹۵) در بررسی «چگونگی شناسایی تنگناهای رشد اقتصادی» محدودیت‌های سه‌روش مرسوم برای شناسایی عوامل مؤثر در رشد اقتصادی، یعنی رگرسیون رشد کشور، حسابداری رشد، و مقایسه با معیارهای (رتبه‌بندی‌های) بین‌المللی، را مطرح می‌کند. در معرفی روش آسیب‌شناسی رشد، به معرفی درخت تصمیم در این روش می‌پردازد و معیارهای شناسایی محدودیت‌های دست‌وپاگیر را تبیین می‌کند. سپس، تجربه مطالعات آسیب‌شناسی رشد در مغولستان، برزیل، السالوادور، گرجستان، پاکستان، بولیوی، پرو، و نیکاراگوئه را معرفی می‌کند. درنهایت، ضرورت مطالعه آسیب‌شناسی رشد برای برنامه‌ششم توسعه در ایران را، با توجه به عملکرد رشد اقتصادی کشور، به‌عنوان توصیه سیاستی ارائه می‌کند (میرجلیلی ۱۳۹۵: ۱-۳۱).

اکبرزاده و دیگران (۱۳۹۷)، در بررسی «تنگناهای رشد اقتصادی ایران»، از روش داده‌بنیاد استفاده کرده‌اند. برای شناسایی محدودیت‌ها، تنگناهای رشد، و رفع آن‌ها با استفاده از روش آسیب‌شناسی رشد و براساس درخت تصمیم به بررسی محدودیت‌های رشد اقتصادی ایران طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۵ پرداخته شده و از مصاحبه باز استفاده شده است. براساس یافته‌های این تحقیق، ضعف در تأمین مالی محدودیت اصلی دست‌وپاگیر برای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، کارآفرینی کشور، و تعیین‌کننده رشد اقتصادی کشور شناسایی شده است (اکبرزاده و دیگران ۱۳۹۷: ۲۴۷-۲۷۰).

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، تحقیقات انجام‌شده در ایران از روش‌های کیفی استفاده کرده‌اند. این موضوع درمورد پژوهش‌های خارجی منتشرشده درمورد آسیب‌شناسی رشد سایر کشورها نیز صادق است.

۷. نتیجه‌گیری

جنبه نوآورانه کتاب تمایز دیدگاه رودریک با اتفاق نظر اقتصاددانان نئوکلاسیک درمورد رشد اقتصادی است. لحاظ کردن اقتضانات خاص هر کشور در سیاست‌گذاری رشد اقتصادی

نقطه قوت کتاب است. به همین دلیل، اتخاذ سیاست‌های رشد اقتصادی نیازمند دانش قابل‌ملاحظه بومی درباره شرایط کشور است. نقطه قوت دیگر کتاب تمایز میان شروع رشد اقتصادی و تداوم آن است. ابتکار دیگر کتاب ارائه تجویزی برای انعطاف‌پذیرتر شدن سازمان جهانی تجارت و نقش تجارت در توسعه اقتصادی است. محاسبه قیمت‌های سایه برای شناسایی محدودیت‌های دست‌وپاگیر رشد در عمل بسیار دشوار است. تعارض یا چگونگی توافق و مصالحه میان اقتضانات هر کشور و قواعد جهان‌شمول در سیاست توسعه توضیح داده نشده است. هرچند روش آسیب‌شناسی رشد با نقدهای روش‌شناختی متعددی مواجه است، تأثیر قابل‌توجهی در نحوه سیاست‌گذاری رشد اقتصادی داشته است. این کتاب را می‌توان به‌عنوان متن فرعی برای درس اقتصاد توسعه در مقطع کارشناسی ارشد توصیه کرد.

پی‌نوشت‌ها

۱. مقصود از سیاست‌های اجماع‌واشنگتنی یا تعدیل اقتصادی سیاست‌های آزادسازی قیمت‌ها آزادسازی تجاری، خصوصی‌سازی، مقررات‌زدایی، و کاهش یارانه‌ها برای کاهش مخارج دولت است (رودریک ۱۳۹۷: ۳۰). اجماع‌واشنگتنی رویکرد سیاستی نئوکلاسیک است که در سیاست‌گذاری توسعه در بسیاری از سال‌های دهه ۱۹۹۰ حاکم بود.
2. Rodrik, D. (2017), *Straight Talk on Trade: Ideas for a Sane Economy*, Princeton University Press.
3. Rodrik, D. (ed.) (2011), *The Globalization Paradox*, W. W. Norton.
4. Rodrik, D. (ed.) (2003), *In Search of Prosperity: Analytic Narratives on Economic Growth*, Princeton University Press.
5. Rodrik, D. (2001), *The Global Governance of Trade as If Development Really Mattered*, UNDP.
6. Rodrik, D. (1997), *Has Globalization Gone Too Far?*, Institute for International Economics.
7. Rodrik, D., R. Hausmann, and A. Velasco (2008), "Growth Diagnostics", in: *The Washington Consensus Reconsidered: Towards a New Global Governance*, J. Stiglitz and N. Serra (eds.), New York: Oxford University Press.
8. Rodrik, D. (2012), "Do We Need to Rethink Growth Policies?" in: *The Wake of the Crisis: Leading Economists Reassess Economic Policy*, O. Blanchard et al. (eds.), MIT Press.
9. Rodrik, D. (2007), *One Economics, Many Recipes: Globalization, Institutions and Economic Growth*, Princeton: Princeton University Press.

کتابنامه

- اکبرزاده، امین، مصیب پهلوانی، و سیدحسین میرجلیلی (۱۳۹۷)، «مدیریت توسعه و رشد اقتصادی در ایران؛ تحلیلی بر تنگناهای رشد با رویکرد داده‌بنیاد»، فصل‌نامه علمی - پژوهشی پژوهش‌های مدیریت عمومی، دوره ۱۱، پیاپی ۴۲.
- رودریک، دنی (۱۳۹۵)، *اقتصاد حکم می‌راند: صحت و سقم این علم ملال‌آور*، ترجمه محمدرضا فرهادی‌پور، تهران: آشتیان.
- رودریک، دنی (۱۳۹۷)، *یک علم اقتصاد، تجویزهای بسیار*، ترجمه هادی ورتابیان، تهران: پیک نور.
- میرجلیلی، سیدحسین (۱۳۸۶)، «آموزه‌های مکتب تاریخی برای تحلیل اقتصاد ایران»، *پژوهش‌نامه اقتصادی*، دوره ۷، پیاپی ۲۶.
- میرجلیلی، سیدحسین (۱۳۹۵)، *چگونگی شناسایی تنگناهای رشد اقتصادی*، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

- Felipe, J. and N. Usui (2008), "Rethinking the Growth Diagnostics Approach: Questions from the Practitioners", ADB Economics Working Paper Series, Asian Development Bank, no.132.
- Habermann, H. and P. Padrutt (2011), "Growth Diagnostics: Strengths and Weaknesses of a Creative Analytical Framework to Identify Economic Growth Constraints in Developing countries", *Journal of Knowledge, Management, Economics and Information Technology*, no. 7.
- Hausmann, R. and B. Klinger (2008), "Growth Diagnostics in Peru", Working Paper, Center for International Development, Harvard University, no. 181.
- Hausmann, R., B. Klinger, and R. Wagner (2008), "Doing Growth Diagnostics in Practice: A Mind Book", Working Paper, Center for International Development at Harvard University, no.177.
- Hausmann, R., D. Rodrik, and A. Velasco (2005), "Growth Diagnostics", Available at: <<https://www.growthlab.cid.harvard.edu/files/growth-diagnostics.pdf>>.
- Leipziger, D. and R. Zaghera (2006), "Getting Out of the Rut", *Finance and Development, International Monetary Fund*, vol. 43, no. 1.
- Mahdavi, A. and H. Majderezade (2012), "The Fundamental Impediments of Economic Growth in Iran: An H-R-V Model", *Iranian Economic Review*, vol. 16, no. 31.
- Rodriguez, F. (2005), "Comment on Hausmann and Rodrik", Available at: <http://frodriguez.web.wesleyan.edu/docs/academic_english/comments_hausmann_rodrik.pdf>.
- Rodrik, D. (2007), "One Economics, Many Recipes: Globalization, Institutions and Economic Growth", Princeton: Princeton University Press.

Rodrik, D. (2010), "Diagnostics before Prescription", *Journal of Economic Perspectives*, vol. 24, no. 3.

Rodrik, D. (2012), "Why We Learn Nothing from Regressing Economic Growth on Policies", *Seoul Journal of Economics*, vol. 25, no. 2.

Sartor, O. (2007), "An Outline and Critique of Growth Diagnostics as a Response to the Policy Vacuum Left by the Washington Consensus", Seminar Paper in Development Economics, Institute of Public Economics, Humboldt University, Berlin.